

بـ
نـ
خـ

بازاندیشی در اسلام

محمد آرگون

مترجم: احمد موثقی

سرشناسه	ارکون، محمد، ۱۹۲۸ - ۲۰۱۰م.
عنوان و نام پدیدآور	Arkoun, Mohammed
مشخصات نشر	بازاندیشی در اسلام، محمد آرگون؛ ترجمه احمد موثقی. تهران: روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۸۴ ص: ۱۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۴۲-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
موضوع	اسلام -- تجدید حیات فکری
موضوع	Islamic renewal
شناسه افزوده	موثقی، سیداحمد، ۱۳۳۷ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶: ۲ الف / ۲۲۹ BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۴۸:
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۹۳۲۰۸:



بازاندیشی در اسلام

محمد آرگون

ترجمه: احمد موثقی

طرح جلد: مهران مبصری

صفحه‌آرا: اکرم مداح

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۷۶۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: اورنگ

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲ طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰-۸۸۸۵۳۶۳۱ **نمابر:** ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

 [telegram.me/rowzanehnashr](https://t.me/rowzanehnashr)

 [rowzanehnashr](https://www.instagram.com/rowzanehnashr)

ISBN: 978-964-334-742-0

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۴۲-۰

 تمام حقوق برای ناشر محفوظ است 

فهرست

۷	پیشگفتار مترجم
۱۹	پیشگفتار مترجم انگلیسی
۳۵	مقدمه
۴۳	۱. خیال پردازی دربارهٔ اسلام
۵۹	۲. اسلام و مسلمانان
۶۵	۳. کلیسا و دولت
۷۷	۴. سکولاریسم
۸۳	۵. ناسیونالیسم
۸۹	۶. وحی
۹۹	۷. قرآن
۱۰۹	۸. تفسیر
۱۱۳	۹. محمد (ص)
۱۱۷	۱۰. حدیث
۱۲۳	۱۱. سنت
۱۲۷	۱۲. جامعه آلمانی
۱۴۳	۱۳. زنان
۱۴۹	۱۴. اصول جزمی
۱۵۳	۱۵. قدرت روحانی و مقدّس
۱۵۷	۱۶. اقتدار
۱۶۳	۱۷. آئین یهود، مسیحیت، و کیش کافری
۱۶۹	۱۸. میراث یونانی
۱۷۷	۱۹. اسلام، علم، و فلسفه
۱۸۱	۲۰. تصوّف
۱۹۱	۲۱. شخص
۲۲۷	۲۲. حقوق بشر
۲۴۳	۲۳. اخلاق و سیاست
۲۵۵	۲۴. فرهنگ مدیترانه‌ای
۲۷۳	یادداشت‌های مقدمه
۲۷۵	یادداشت‌ها

تقدیم به روان پاک محمد آرگون، که عام و انسانی و جهانی می‌اندیشید و دغدغه صلح، آزادی، حقوق بشر، اخلاق، عدالت، و همزیستی ملل و ادیان را داشت و تمام عمرش را صرف این آرمان‌های انسانی خود کرد و "نور و روشنایی و شوق و اشتیاق" برای همه در شرق و غرب عالم به ارمغان آورد.

مترجم

پیشگفتار مترجم

محمد آرگون (۲۰۱۰ - ۱۹۳۸)، یک بربر از منطقه‌ای کوهستانی در الجزایر و تحصیلکردهٔ فرانسه، و استاد مطالعات اسلامی دانشگاه سوربن، دارای بیش از ۱۱۰ اثر به زبان فرانسه است که تعداد کمی از آنها به عربی یا فارسی ترجمه شده و کتاب حاضر هم از نخستین آثارش هست که توسط رابرت لی استاد علوم سیاسی کالج کلرادو به انگلیسی ترجمه شده است. این آثار در دو مقوله قابل تفکیک هستند: "اسلام پژوهی کاربردی" و "نقد عقل اسلامی". "اسلام پژوهی کاربردی" از مفهوم "عقلانیت کاربردی" مورخ فرانسوی گاستون باشلار در زمینهٔ معرفت‌شناسی، و "نقد عقل اسلامی" هم از اثر فیلسوف آلمانی ایمانوئل کانت، یعنی "سنجش خرد ناب"، برگرفته شده‌اند.

او با نقد گفتمان کلاسیک اسلامی، گفتمان خاورشناسان، و گفتمان اسلامی ایدئولوژیک یا اسلام سیاسی، خود به کاربردست روش‌های علوم انسانی معاصر در مورد نص اسلامی گرایش دارد و می‌خواهد نص قرآن کریم را به محک "نقد تاریخی مقایسه‌ای و تحلیل زبان‌شناختی شالوده شکنانه و تأمل فلسفی مرتبط با تولید، توسعه، تحولات و انهدام معنا" بزند. اسلام‌شناسی مقایسه‌ای از نظر آرگون یک فعالیت علمی چند رشته‌ای است که با توجه به سطوح سه‌گانهٔ معرفت

اسطوره‌ای، تاریخی، و فلسفی در ادیان و حیانی، اسلام‌شناسی خاورشناسان (تحت تأثیر تاریخ باوری و اثبات‌گرایی سده ۱۹) و اسلام‌شناسی سنتی (توجه به گذشته، غیرانتقادی و آمیزش اسطوره و تاریخ) را نقد، تصحیح و تکمیل می‌کند. موضوع این اسلام‌شناسی پدیده اسلام است که با نزول کلام خدا به صورت وحی (گفتار قرآن)، به متن مدون یا نص (مصحف) تبدیل شد. بنابراین عوامل گوناگون روانی، تاریخی، جامعه‌شناختی و فرهنگی در شکل‌گیری آن دخیل هستند که باید شناسایی شوند و گوهر و محتوای اسلام در کنار بستر تاریخی و جامعه‌شناختی و زبانی آن (که از طریق آن با مخاطبین سخن گفته) مطالعه شود. هدف این مطالعه رهانیدن اندیشه اسلامی از اسطوره‌ها و ایدئولوژی‌ها و پرداختن به امور فراموش‌شده، اندیشه‌ناشده، و اندیشه ناشدنی که در ساختارهای سیاسی و فکری حاکم پرداختن به آنها ممنوع و ممتنع بوده، است. سکولاریسم، مدرنیسم، حقوق بشر و بسیاری از پدیده‌های معرفت‌شناختی دیگر در دنیای معاصر از این گونه موارد هستند.

"نقد عقل اسلامی" که عنوان یکی از مهمترین آثار آرگون است، در ادامه و مشابه "نقد عقل عربی" اثر محمد عابد الجابری (۲۰۱۰ - ۱۹۳۵) ولی محدودتر از آن و از این رو متمرکزتر، به تعبیر هشام شرابی (۲۰۰۵ - ۱۹۲۷)، با هدف شکستن انحصار تفسیر سنتی و پدرسالار جدید متون مقدس و ادبی فرهنگ اسلامی، نخست از طریق استقرار زمینه جدیدی برای خواندن (بازخوانی) قرآن است؛ قرائتی که روش‌های زبان‌شناسی تاریخی و شرق‌شناسانه را کنار می‌گذارد و به جای آن، به رشته‌های علمی مدرن زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، جامعه‌شناسی، و تاریخ تکیه می‌کند. چنین قرائت جدیدی نه تنها جایگزین چشم‌انداز سنت‌گرا می‌شود و برداشت جدیدی از خود و از دنیا ارائه می‌دهد، بلکه همچنین انرژی‌ها و قدرت

درک و شناخت و تحلیل انتقادی را، که تا کنون توسط قرائت (پدر سالار جدید) سنتی حاکم سرکوب شده بود، آزاد می‌کند.^۱

برای دستیابی به قرائت نو، به نظر آرگون اتخاذ یک رهیافت چند رشته‌ای سکولار برای فهم واقعیت و کسب دانش و معرفت نسبت به آن و سپس برقراری ارتباط با این دانش، لازم است. این "مسئله دشوار"، تنها جنبه روش شناختی ندارد، بلکه در قدرت سیاسی و صاحبان منافع تثبیت شده مذهبی ریشه دارد. او امکان‌پذیری تغییر را تنها به عنوان بخشی از یک فرآیند وسیع‌تر دگرگونی فکری و زبانی می‌بیند و برای تحقق آن نخست باید شیوه فکر کردن و شیوه‌ای که زبان تفکر را بیان و ابراز می‌کند، تغییر نماید. «تغییر باید دربرگیرنده شیوه‌ای باشد که طی آن واقعیت در زبان و توسط آن بیان و ادا می‌شود. زبان باید تغییر کند، یعنی باید دنیوی و عقلانی شود»^۲.

مفروضات "اسلام پژوهی ارتدوکس" حقیقت مطلق را تک بُعدی دیده و منحصر در رسالت دینی و "نجات اخروی" می‌بیند و این مسلمات سنت اسلامی کلی یا جمعی مشترک میان مسلمانان، به باور آرگون، کارکردی ایدئولوژیک در چالش مشروعیت معرفتی و سیاسی حاکم بر همه مراحل تاریخ اسلام داشته است. برای رفع این موانع ارتدوکسی، آرگون رهیافتی سه بُعدی را پیشنهاد می‌کند که جامع مؤلفه‌های متعدد و زمینه‌های معرفتی متنوع است و عبارتند از: رهیافت نشانه‌شناختی زبانی، رهیافت تاریخ‌گرا یا جامعه‌شناختی، و موضع کلامی همراه با یافته‌های مردم‌شناسی دینی و روانشناسی معرفت.^۳ آرگون در "اسلام دیروز و امروز" درباره رابطه دین و سیاست می‌نویسد:

۱. هشام شرابی، پدر سالاری جدید، ترجمه سید احمد موثقی، چ ۲، تهران: کویر، ۱۳۸۵، صص ۵ - ۱۷۴.

۲. همان، صص ۶ - ۱۷۵.

۳. عبدالله السید ولداباه، متفکران معاصر عرب، ترجمه مجید مرادی، قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۵، صص ۵۶ - ۱۵۵.

بجا خواهد بود که بررسی را در سه ساختار ویژه عمل و معنایی که تجربه بنیانگذاری (دولت اسلامی) مفتوح گذاشته لیکن تمامی تجربیات بشری را فرامی‌گیرد، گسترش دهیم: اندیشه اسلامی این سه ساختار را زیر عنوان دین، دولت و دنیا (د - د - د) مشخص کرده است. یعنی دین و دولت (قدرت سلسله‌ها به حسب بیان تاریخ نگاری‌های کلاسیک)، دنیای غیردینی (حیات عاجل و نزدیک بر حسب بیان قرآنی) بین این سه ساختار تا زمان ما روابط مختلف و فشارهای متغیری به وجود آورده و گسترش یافته است. با بررسی دقیق فراز و نشیب‌های تاریخی روابط سه‌گانه مذکور امیدواریم بتوانیم ابهامات و مواضع سنتی اسلامی را در باب کارکرد و معانی قلمرو دینی و قلمرو سیاسی به جای خود قرار دهیم.^۱

آرگون تاریخچه عقل بشری را به سه مرحله تقسیم می‌کند: از "عقل ارسطویی" که به امتناع اجتماع نقیضین می‌پردازد، به "عقل خود بنیاد" دکارتی که مستقل از کلیسا، از اصول مسلم و استقلال ذاتی و اصالت جوهری و پذیرش کلیه مسئولیت‌ها در صحنه عمل با تجربه آزاد برخوردار است، و سپس مقطع "عقل نقاد" که پایان عصر اصول مسّلم طی آن فرا می‌رسد و همه نوآوری‌ها و میراث در بوته نقد قرار می‌گیرد. عقل غربی دو ویژگی دارد: (۱) امکان دستیابی به حقیقت در صورت پیمودن مسیر موضوعه توسط عقل؛ (۲) آزادسازی تمام توانایی‌های بشری و اعتماد به آن در تنظیم و سازماندهی جامعه و اخلاق و قواعد رفتاری. اما عقل اسلامی هم دو ویژگی دارد که یکی کلامی بودن و دیگری مبتنی بر ایمان بودن آن است.^۲ آرگون بر تاریخمندی عقل اسلامی و اندیشه دینی تأکید دارد و می‌گوید دو میراث فکری به ما رسیده: الف) از سده نخست هجری تا سده چهارم هجری (۱۰ - ۷ میلادی)، میراث علمی

۱. محمد ارغون، اسلام دیروز و امروز، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۰.

۲. محمد آرگون، جایگاه اندیشه اسلامی معاصر، هاشم صالح و محمد مهدی خلجی، ماهنامه کیان، شماره ۱۶-۴۲، صص ۴۷-۲۰.

باز و نیرومند و زنده دوره کلاسیک؛ ب) از سده پنجم تا کنون، دوره اسکولاستیک و پیدائی نگرش ارتدوکس دوره تقلید و تکرار. به نظر آرگون تعریف میراث مهم نیست بلکه نوع رابطه با آن اهمیت دارد. ایجاد رابطه‌ای زنده و فعال با میراث، جز با پذیرش مسئولیت کامل مدرن شدن ممکن نیست ولی اگر میراث تاریخی را از میراث اسطوره‌ای تفکیک نکنیم نمی‌توانیم مدرنیته را به صورت ابتکاری بوجود آوریم.^۱

بنابراین بازخوانی متون و منابع دینی با شناخت واقعی از فرآیند شکل‌گیری، حاملان و مفسران آن ضروری است و این که "تفاسیر مربوط به اشخاص معین هستند و این شخصیت‌ها، تندیس اندیشه گروه‌های اجتماعی هستند که بر سر مالکیت و قدرت با یکدیگر می‌ستیزند. هر جهت‌گیری و یا تأویلی به یقین با مصالح ایدئولوژیک پیوند دارد." از این رو "وظیفه فوری ما این است که سراسر میراث اسلامی را در پرتو تازه‌ترین روش‌های زبانی، تاریخی و جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی (یعنی مقایسه با دیگر میراث‌های دینی به ویژه آنچه در غرب مسیحی پدید آمد) بازخوانی کنیم و سپس ارزیابی فلسفی فراگیری از این میراث بدست دهیم تا هم عناصر مرده آن که مانع حرکت است نمایان شود و هم عناصری که می‌تواند در بنای نو دوباره به کار آید شناخته شود"^۲.

این رویکرد نقد و بازخوانی سنت و مدرنیته هر دو، و برقراری سنتزی جدید از آن متناسب با شرایط جوامع شرقی و مسلمان، همان رویکرد ریشه‌دار متفکران نوگران دینی از طهطاوی و سید جمال تا عبده و کواکبی و اقبال و فضل الرحمن و مالک بن بنی، حسن حنفی، محمدعابد الجابری، حامد ابوزید، و متفکران شیعه ایرانی، به ویژه محمد مجتهد شبستری، است. روشنفکری و نوگرایی دینی درونمایه‌های

۱. همان ۴۰.

۲. به نقل از: همان.

فکری متفاوتی نسبت به سه جریان دیگر سنت‌گرا، بنیادگرا، و متجدد دارد.^۱ این موضع‌گیری در میانه دو رویکرد افراطی و تفریطی احیای سنت یا بنیادگرایی و نفی و رد سنت قرار می‌گیرد که به نقد و بازخوانی آن در پرتو عقل فلسفی و نقّاد باور دارد. لوای. م. صافی نویسنده کتاب "چالش مدرنیته" هم بر این باور است که می‌توان ضمن حفظ اصالت، نوسازی کرد و مدرن شد.^۲ مالک بن نبی (۱۹۷۳ - ۱۹۰۵) متفکر دیگری از الجزایر هم موضعی مشابه هم میهن خود آرگون دارد و فقدان نوسازی اصیل و حقیقی در حوزه‌های اجتماعی را نتیجه مستقیم رکود و ایستائی در حوزه‌های فرهنگی و فقدان ابتکار و نوآوری و خلاقیت در میان مسلمانان می‌داند و در مقابل نوزائی فرهنگی را فرآیندی دوگانه و مستلزم نخست نفی و رد و تصفیه و پالایش میراث اسلامی از عناصر منحط فکری و روانشناختی و سپس ارائه یک نظام فکری روشن از طریق فعالیت‌های سازنده و ابتکاری می‌داند تا از منابع انسانی و طبیعی کشورها حداکثر بهره‌برداری صورت گیرد.^۳ آرگون با نگاهی به فرهنگ (سنت و میراث) و استعدادها و قابلیت‌ها از یک سو و موانع تاریخی و فرهنگی موجود از سوی دیگر، مسائل پیش روی جوامع مسلمان را شامل موارد زیر می‌داند:^۴

۱- عدم توجه به عقل و جایگاه آن در عرصه اندیشه، اخلاق، حقوق و انسان‌شناسی؛

۱. رجوع کنید به: سیداحمد موثقی، "گونه شناسی جریان‌های فکری و جنبش‌های اسلامگرا"، در: دایرة المعارف جنبش‌های اسلامی، به اهتمام محمدرضا حاتمى و مرتضى بحرانی، ج ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲، صص ۵۶ - ۳۱.

۲. رجوع کنید به: لوای م. صافی، چالش مدرنیته، جهان عرب در جست‌وجوی اصالت، ترجمه سیداحمد موثقی، تهران: نشر میران، ۱۳۹۵.

۳. به نقل از: همان، صص ۲۰۰ - ۱۹۸.

۴. به نقل از: هاشم صالح و خلجی، پیشین.

- ۲- غلبه یک سونگری در نگرش و معرفت دینی؛
- ۳- فقدان پژوهش علمی - کاربردی تاریخ اسلام، قرآن و دیگر موارث اسلامی.
- ۴- عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی جوامع عربی اسلامی در برابر غرب (توسعه نیافتگی)؛

۵ - جدائی از تعالیم هویت بخش و آزادی آفرین قرآن. آرگون در نقدی دو سویه، در "اسلام دیروز و امروز" می نویسد:

مغرب زمین که در جست و جوی استحکام مبانی اعتقادی خود دستخوش بحران شده، با نیازی مشابه در جوامع مسلمان که با غول توسعه نیافتگی و اشکال جدید سلطه دست و پنجه نرم می کنند، تلاقی می کند. این تقارن، بدون آنکه ادعان شده باشد، با دستکاری ارزش های فکری، معنوی و اخلاقی برای اغراض سیاسی و اقتصادی، نتایج فوق العاده وخیمی عاید مسلمانان می کند؛ چه بی ثباتی حیات روشنفکری و نارسایی مسائل فرهنگی نزد مسلمانان موجب خسران های جبران ناپذیر آنان می گردد^۱.

البته او بر این باور است که اسلام، مسیحیت و یهودیت هر سه ادیان توحیدی و ابراهیمی و دارای اصل و منشاء واحدی هستند و باید باب گفت و گو و برقراری صلح و آشتی میان آنها در سطح جهانی فراهم شود و بشریت در کل و به طور عام در صلح و امنیت و آزادی و عدالت زندگی کنند.

به نظر آرگون، مسئله خدا شاه کلید اصلاح عقل اسلامی و نقد آن است و نباید بین سه برداشت از خدا خلط نمود: خدا به منزله واقعیت متعالی، خدا به منزله مفهوم متفاهم ادیان توحیدی، و خدای شخص گونه پدر، حاکم. بدون آزادسازی درونی همه جنبش های آزادیبخش عقیم و ناکارآمد می شوند: "آزادسازی وجدان

اسلامی از درون میسر می‌شود نه از بیرون، و بهره‌گیری از تجارب جوامع دینی دیگر در این عرصه ما را در تصمیم‌گیری‌ها جامع‌تر و کارا تر خواهد نمود. "نمی‌توانی رها شوی، مگر آنکه حساب خود را با گذشته‌ات تصفیه کنی و ریه‌های گذشته را از هوای تازه پر کنی". پیش شرط اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همین است که آزادی زمینی در گرو آزادی آسمانی و ایجاد رابطه‌ی نو میان انسان و خداست که طی آن آزادسازی نیروهای مسلمان برای ساختن آدم و عالم نو بکار گرفته خواهد شد!

همان‌طور که آرگون در فصل ۲۱ به موضوع شخص در نگرش اسلامی می‌پردازد، این مفهوم تفاوت عمیقی با دو مفهوم "فرد" و "شهروند" دارد و این دو مفهوم حکومت عقل و حکومت قانون و جامعه‌ی متملن را به وجود می‌آورند. او همچنین وظیفه‌ی آماده‌سازی زمینه‌ی اصلاحات دموکراتیک از طریق کار فکری، سیاسی و اجتماعی را به راهبرد نقد اسلامی سپرده است تا "دموکراسی‌ای سازگار با اوضاع ویژه هر جامعه و در عین حال برآورنده‌ی آرزوی عقل فرامدرن را - که اجماع فراگیر مردم است - تحقق بخشد."^۲ او با خوش‌بینی سال ۲۰۱۰ را سال آزادی بزرگ جهان اسلام و ورود به عصر مدرنیته اعلام کرده بود ولی عجیب این که در همین سال او و نیز دو متفکر بزرگ دیگر یعنی محمدعابد الجابری و نصر حامد ابوزید (۲۰۱۰ - ۱۹۴۳) از دنیا می‌روند و از سوی دیگر، تحولات موسوم به بهار عربی از سال ۲۰۱۱ و تبدیل آن به خزان و بعد ظهور داعش در کنار گسترش سلفی‌گری و بنیادگرایی در چهره‌های دیگری مثل بوکوحرام و الشباب و اوضاع اسفبار سوریه و عراق و یمن و لیبی و افغانستان و پاکستان و حتی مصر

۱. به نقل از: هاشم صالح و خلجی، پیشین.

۲. عبدالله السید ولدایاه، پیشین، صص ۱۵۸.

و الجزایر و بحرین و سیاست‌های افراطی عربستان و امارات در خاورمیانه، حاکی از عقب‌ماندگی عمیق‌تر جهان اسلام است.

در ادامه این پیشگفتار به معرفی کوتاه کتاب حاضر و دیدگاه نویسندگان برجسته و صاحب‌نظر در حوزه مطالعات اسلامی نسبت به این کتاب و نویسنده آن، می‌پردازیم. محمدآرگون، یک محقق مشهور در سطح بین‌المللی در حوزه اندیشه اسلامی، در این کتاب از یک برداشت از اسلام به مثابه جریانی از تجربه، در برگیرنده اکثریت‌ها و اقلیت‌ها، سنی و شیعه، تصوف عامیانه و محققان فرزانه، قهرمانان قدیم و منتقدان مدرن، طرفداری می‌کند. با وجود این، او که پرورش یافته فرهنگ اسلامی است، با دستگاه رسمی و سنتی اسلامی و گروه‌های اسلام‌گرای مبارز موافق نیست؛ به عنوان یک دانش‌آموخته علوم اجتماعی سده بیستم در غرب و یک تحسین‌کننده لیبرالیسم، او خود آگاهانه فاصله خودش از شرق‌شناسان غربی و برداشت‌های غربی از لیبرالیسم را حفظ می‌کند.

این کتاب - نخستین اثر از آثار آرگون که در سطح وسیعی به زبان انگلیسی منتشر می‌شود - پاسخ‌هایش را به پرسش‌های به نحو‌گول زنده‌ای ساده، را ارائه می‌کند، از جمله: آیا می‌توان از یک درک و فهم علمی از اسلام در غرب سخن گفت یا باید به جای آن درباره شیوه غربی تصور کردن اسلام صحبت کرد؟ کلمات "اسلام"، "مسلمان"، و "قرآن" چه معنایی دارند؟ "وحی" و "سنت" به چه معنی هستند؟ اسلام از ادیان وحیانی پیشین - یهودیت و مسیحیت - چه چیزی را گرفت و حفظ کرد؟ اسلام از ادیان و آداب و رسوم شبه جزیره عربستان در دوره پیش از اسلام چه چیزی را حفظ کرد؟ آرگون در پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر، مقدمه‌ای را برای یکی از ادیان بزرگ دنیا فراهم می‌کند و نقدی نیش‌دار و رادیکال از اسلام‌شناسی، آن‌طور که در شرق و غرب هر دو دنبال شده، ارائه می‌نماید.

این کتابی برای دانشجوی مبتدی اسلام و خواننده عمومی است که از انگاره‌های رسانه‌ها نسبت به اسلام به مثابه دینی یکپارچه، ضد غربی، و متمایل به خشونت، ناراحت و پریشان خاطر است. این کتاب همچنین برای متخصصانی است که در جست‌وجوی یک مدخل برای روش‌شناسی آرگون هستند - تلاش‌های او در کاربرد تفکر معاصر درباره انسان‌شناسی، فلسفه، نشانه‌شناسی، تاریخ، و جامعه‌شناسی، در مورد سنت اسلامی و رابطه آن با غرب. این کتابی برای همه کسانی است که دغدغه بحران هویت دارند، بحرانی که بسیاری از مسلمانان را هم از مدرنیته تحمیل شده بر آنها و هم از سنت وارونه شده برای مقاصد ناسیونالیستی و اسلام‌گرایانه، دلسرد و بیگانه کرده است.

جان ال. اسپوزیتو^۱ از دانشگاه جورج تاون در ستایش این کتاب می‌نویسد: ارزیابی مجدد شجاعانه آرگون، دانش‌پژوهی غربی و اسلامی هر دو را در یک بازاندیشی جامع و گاهی برانگیزنده درباره اندیشه و تاریخ اسلامی به چالش می‌کشد.

اگر یک احیای اسلامی وجود داشته است، نیروی محرکه آن بر حسب فعالیت عملی اجتماعی و سیاسی بوده است. یک چالش ملازم با آن، اصلاح‌طلبی فکری یا فرمول‌بندی مجدد سنت اسلامی است. در عین حال که نوعی پیشرفت صورت گرفته، ولی تلاش کمی به صورت یک بررسی و آزمون مجدد جامع و نظام‌مند انجام شده است. نویسنده این کتاب بسیاری از عاجل‌ترین مسائل و موضوعات را شناسایی کرده و با قوت به آنها پرداخته است. این کتاب "روشنایی و اشتیاق" ایجاد خواهد کرد و طیف وسیعی از مخاطبان و خوانندگانی را که دغدغه اسلام معاصر، اندیشه اسلامی، و تاریخ فکری دارند، مجذوب خواهد کرد.

1. John L. Esposito.

بسام طیبی^۱ از دانشگاه گوتینگن دربارهٔ این کتاب می‌نویسد:

باز اندیشی در اسلام کتابی الهام بخش و برانگیزاننده است. اکثر اسلام شناسان از هر گونه بازاندیشی در اسلام به عنوان کفر و ارتداد طفره می‌روند. از نظر آرگون، حقیقت همواره به وسیلهٔ تاریخ شکل می‌گیرد و اسلام هم مستثنا از آن نیست. آرگون نمی‌خواهد به عنوان یک مدرنیست و یا به عنوان یک سکولاریست شناخته شود، بلکه می‌خواهد به عنوان روشنفکری شناخته شود که به طور مساوی از ضدیت بنیادگرایان اسلامی با اندیشه و روشنفکری که عقل را تابع ایمان می‌کند و از اروپا محوری شرق‌شناسان غربی، بیزار است. آرگون همه چیز را در "شیوهٔ آرگونی" خود قرار می‌دهد. به طور مثال، او نمی‌گوید که اسلام و حقوق بشر در تعارض با هم هستند بلکه صرفاً می‌گوید، "نباید از ادیان انتظار چیزهایی بیش از آنی که می‌توانند بدهند، را داشت". این بهترین زمانی است که خوانندگان آمریکایی در معرض افکار این روشنفکر مسلمان بی‌نظیر قرار می‌گیرند.

جان وُل^۲ از دانشگاه نیوه‌مپشایر هم دربارهٔ این کتاب می‌نویسد:

آرگون متفکر پیشتاز در تلاش برای بیان و ارائهٔ پیام اسلام به زبان معاصر جهانی است. او ورای منازعات قوم مدارانهٔ قدیمی می‌رود و بنیان‌های فکری برای فائق آمدن بر برخورد تمدن‌ها را فراهم می‌کند. این کتاب ارائهٔ بسیار مهمی از آن ایده‌ها است. برای هر کسی که می‌خواهد ورای عناوین روزنامه‌ها و کلیشه‌ها دربارهٔ اسلام معاصر برود، این کتاب متنی به طور قطع اساسی است.

امیدوارم ترجمهٔ این کتاب بتواند به رفع توهم و سوء فهم‌ها دربارهٔ دین و مدرنیته، و اسلام و غرب، در داخل ایران و بین گروه‌های مختلف اجتماعی و

1. Bassam Tibi.

2. John Voll.

سیاسی و نیز بین ایران و دنیای غرب کمک کند و فراتر از نگرش‌های سنتی و سلفی یا بنیادگرا، جوانان و دانشجویان و فرهیختگانی که در معرض انبوه و انواع داده‌ها و اطلاعات درست و غلط دربارهٔ اسلام و غرب در عصر جهانی شدن هستند را، به خود، خدا، دیگران، دنیا، و طبیعت نزدیک کند و سایهٔ ترس و نفرت و تهدید و خشونت و جنگ و خونریزی از سر همهٔ انسان‌ها، اقوام، فرقه‌ها و ملل دور شده و شرق و غرب و شمال و جنوب رابطهٔ مولد و سازنده‌ای با هم برقرار کرده و به کمک هم به حل و رفع مسائل جهانی پرداخته و صلح و امنیت و آزادی و عدالت را در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی برقرار کنند.

احمد موثقی - دی ماه ۱۳۹۶

پیشگفتار مترجم انگلیسی

بازاندیشی در اسلام، پرسش‌های معمول، پاسخ‌های غیرمعمول

تغییر شکل در حرکت‌ها برای پیش روی کردن از مرکز دنیای اسلام اغلب رُخ داده است. اسلام نخست در شبه جزیره عربستان در پیرامون و حاشیه دو تمدن، یکی رومی که بر حوزه مدیترانه غالب بود، و دیگری ساسانی که سرزمین‌های شرقی را از پایتختش در عراق کنترل می‌کرد، ریشه دوانید. اعراب و زبان عربی در دولت اسلامی جدید غلبه یافتند، ولی گسترش تمدن اسلامی هنوز و همچنان به نقش و شراکت‌های غیر عرب‌ها و غیر مسلمانان از سمت شمال و به ویژه از شرق بستگی داشت. موج‌های مکرر مهاجمان از خلال رود سیحون یا آمودریا از آسیای مرکزی به حرکت درآمدند تا فرهنگ اسلامی را به لرزه درآورده، ویران کرده، و نوسازی کنند. دولت عثمانی در سده سیزدهم میلادی در مرزهای جداکننده اسلام از دنیای مسیحیت، که به وسیله امپراتوری بیزانس از آن دفاع می‌شد، ظهور کرد. و حاشیه‌ای‌ترین مورد از دولت‌های اسلامی، اسپانیا، برخی از برجسته‌ترین فعالیت‌های فکری و هنری عصر خود را تولید کرد.

در دوره میانه، مسلمانان بر هسته و مرکز دنیای غرب، یعنی حوزه مدیترانه، حکومت می‌کردند. فرهنگ‌های اسلامی دوره میانه نوآوری در سنت را به عمل